

نقش دبیران ایرانی در فرازمندی دیوانسالاری، هنر و تمدن اسلامی عصر عباسی

چکیده

هنر و تمدن اسلامی از آغاز پیدایش تا عصر حاضر تحت تأثیر عوامل مختلفی تکوین یافته است. در این میان ایرانیان نیز سهم بسزایی در این مسئله داشته‌اند. پس از فتح ایران، بستر مناسبی برای استفاده از تجارب دیوانی ایرانیان که از تجربه و سابقه تمدنی ممتازی در ملکداری و امور دیوانی برخوردار بودند، فراهم آمد. نقش دبیران ایرانی در دیوانسالاری عصر عباسی به درستی تبیین نشده است. دبیران ایرانی نه تنها پیش از عربی‌سازی دیوانسالاری اسلامی مجریان و مدیران تشکیلات اداری و مالی دستگاه حکومتی بودند، بلکه نقش اصلی و اساسی را نیز در مرحله‌گذار از دیوانسالاری بومی به دیوانسالاری عربی بازی کردند. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که هنر و تمدن ایرانی و دبیران ایرانی در فرازمندی دیوانسالاری در تمدن اسلامی عصر عباسی، نقش مهمی داشته‌اند. پایه‌های دیوانسالاری اسلامی از آغاز تأسیس تا مراحل تکمیلی و تکاملی آن توسط دبیران ایرانی و با اتکاء به میراث دیوانی ایران ساسانی، گذاشته شد. ایرانیان با انتقال داده‌های تمدنی و هنری نقش مهمی در هویت‌بخشی به هنر و تمدن در عصر عباسی برعهده داشته‌اند.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین سهم دیوانسالاری ایرانی، بر تکامل و پیدایش نهاد دربار و دیوان در خلافت عباسی.
۲. تبیین نقش ایرانیان در پیشرفت هنر در عصر عباسی.

سؤالات پژوهش:

۱. سهم ایرانیان در توسعه و تحکیم تشکیلات و دیوانسالاری در خلافت عباسی چیست؟
۲. نقش ایرانیان در پیشرفت هنر در عصر عباسی چگونه بوده است؟

کلیدواژه‌ها: دیوانسالاری اسلامی، دیوانسالاری ایران، دبیران، هنر و تمدن اسلامی.

مقدمه

نهاد دیوانسالاری به‌مثابه مینیاتوری از کل جامعه همواره نقشی بسیار پراهمیت و کلیدی در تحول و پیشرفت یا توسعه‌نیافتگی جوامع ایفا کرده است. این امر، به‌ویژه در جوامعی نظیر ایران که دارای پیشینه چند هزار ساله اداری‌اند، بسیار آشکار می‌شود. فقدان قانون و قانون‌گرایی در تاریخ سیاسی، اداری ایران به‌عنوان روال معمول پذیرفته شده، در جامعه تا دوره قاجار، ضرورت و احساس نیاز به هرگونه تغییر و تحول اساسی را در نظام دیوانسالاری کشور منتفی می‌ساخت. هیچ پدیده یا نهاد اجتماعی از جمله نهاد بوروکراسی به‌طور ناگهانی و به یکباره خلق نشده است. پدیده‌ها و رویدادها و تبار و ریشه‌های عمیق تاریخی، قطعاً در جامعه ریشه‌های عمیق داشته‌اند. تشکیلات اداری و نظام دیوانسالاری در هر کشوری در برگیرنده ویژگی‌ها و عناصری است که سرچشمه آن‌ها را می‌توان در تاریخ و فرهنگ و تحولات سیاسی- اجتماعی- اقتصادی آن جامعه جستجو کرد. دیوانسالاری ایران با پیشینه چند هزارساله، در واقع محصول و نمایانگر تحولات و رخدادهای فراوانی است که در متن و طول تاریخ این سرزمین، به وقوع پیوسته، و حاصل برخی از این عناصر و ویژگی‌های نهادینه شده در آن است. مروری بر پیشینه دیوانسالاری در ایران نشان می‌دهد که این تشکیلات، با ویژگی‌های نیرومند و مستحکمی که همواره با تغییراتی هم‌توأم بوده، به‌رغم تحولات و فراز و فرودهای فراوان تاریخی، همچنان مقاوم و تأثیرگذار بر جای مانده است. نکته بسیار مهم در نظام دیوانسالاری ایران این است که ظرفیت و توانایی سنت در ایران به‌گونه‌ای بوده که اعراب، اقوام ترک، مغولان و سایر ایلات و عشایری که در ایران حاکمیت یافتند، ظرف مدت کوتاهی ویژگی‌ها و عناصر اصلی و تعیین‌کننده دیوان ایرانی را پذیرفتند. هر چند اثرات و رنگ و لعابی نیز بر نظام دیوانی در هر دوره‌ای از خود برجای گذاشتند. به موازات انتقال دیوانسالاری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین داده‌های تمدنی ایران به خلافت عباسی، هنر ایرانی نیز به آنها منتقل شد. بررسی این تأثیرگذاری می‌تواند بخشهای هویت‌ساز هنر دوره عباسی را آشکار سازد.

درخصوص موضوع پژوهش حاضر تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر در نیامده است. با این حال پژوهش‌های متعددی به بررسی تأثیر دیوانسالاری ایرانی بر دوره عباسی پرداخته‌اند. فرهمندپور (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش دبیران ایرانی در تحلیل نظام اداری عباسیان»، به بررسی نقش‌آفرینی ایرانیان به عنوان دیوانسالاران در ساختار اداری عباسیان پرداخته است. رضایی و همکاران (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش دبیران ایرانی در تأسیس و تکوین دیوانسالاری اسلامی در قرن اول هجری»، به بررسی چگونگی بسط تشکیلات اداری ایران توسط دبیران ایرانی در دستگاه اداری عباسیان پرداخته‌اند. با این تفاسیر پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای در صدد پاسخگویی به تأثیر دبیران ایرانی بر دیوانسالاری و هنر و تمدن دوره عباسی است.

نتیجه‌گیری

پس از فتح ایران، بستر مناسبی برای استفاده از تجارب دیوانی و تشکیلاتی ایرانیان که از تجربه و سابقه تمدنی قابل توجهی در امور ملکداری و امور دیوانی برخوردار بودند، فراهم آمد. فاتحان عرب پس از اینکه محاسبه درآمدهای ناشی از خراج و جزیه بویژه ثبت و ضبط حساب مناسبات مالی در مناطق مختلف ایران را بسیار فراتر از توان و

استعداد تشکیلاتی خود یافتند، به ناچار دست یاری نزد ایرانیان دراز کردند و از طبقه دبیران ایرانی به مثابه بازوی توانمند اداری و اجرایی در امر خطیر ملکداری سود جستند. ناآشنایی اعراب مسلمان صدر اسلام با دقائق فن و هنر دبیری، آداب و شیوه‌ها و سنن آن از یک سو و سابقه زیاد سنت دبیری در بین ایرانیان و به موازات آن، دشواری دیوان‌های فارسی از سوی دیگر و نیز بیگانه بودن اعراب شبه جزیره هم به امور کشاورزی و زراعت و هم به شیوه‌های تعامل با مردم زراعت پیشه، موجب ورود و استمرار حضور دبیران ایرانی در تشکیلات دیوانی صدر اسلام گردید. در دوره اموی، سیاست برتری جویی عربی به حوزه تشکیلات دیوانی نیز کشیده شد و عبدالملک بن مروان (حک ۶۵ - ۸۶ ق) درصدد تعریب دیوان‌ها برآمد و حجاج بن یوسف در عراق نیز در جهت این هدف، صالح بن عبدالرحمن را در سال ۷۸ ق مأمور ترجمه دیوان از زبان پهلوی به زبان عربی کرد و این روند تا پایان عهد اموی ادامه یافت. در مواجهه با شرایط پس از تعریب دیوان، از یک سو شمار قابل توجهی از دبیران ایرانی اسلام آوردند و از سوی دیگر، به فراگرفتن زبان عربی، زبان رسمی دولت اسلامی، پرداختند. این دو اقدام در دوره‌های بعد نتایج مثبت فراوانی برای جامعه دبیران ایرانی به بار آورد و زمینه پیشرفت آنها را هم در شکل‌گیری ادبیات عرب و هم در سلسله مراتب دستگاه دیوانی بیش از پیش فراهم ساخت و موجب شد تا دبیران ایرانی، با بهره‌گیری از تجارب و توانمندی‌های خود پله‌های ترقی را طی کنند و در خلافت عباسی حتی بر منصب وزارت نیز تکیه زنند. به موازات انتقال اصول اداری به عنوان بخشی از فرهنگ و تمدن، هنر ایرانی در قرون نخستین اسلامی به تدریج به عنوان بخشی تفکیک‌ناپذیر از هنر اسلامی تبدیل گردید.

منابع:

کتاب‌ها:

- ابن طیفور. (۱۳۸۸). بغداد فی تاریخ الخلافة العباسیه، بغداد: مکتبه المثنی.
- ابن عساکر. (۱۴۱۵ق). تاریخ مدینه دمشق، الجز التاسع و العشرون، بیروت: دارالفکر.
- ابن جوزی. (۱۴۱۵ق). المنتظم فی تواریخ الملوک و الامم، بیروت: دارالفکر.
- ابن مسکویه. (۱۴۱۸ق). تجارب الامم، طهران: سروش.
- ابن خلدون. (۱۳۶۹). مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ترجمه پرویز گنابادی، تهران: علمی فرهنگی.
- ابن حیان. (۱۹۵۴). البصائر و الذخائر، تصحیح عبدالرزاق محی‌الدین، بغداد.
- اتینگهاوزن، ریچارد، گرابار، اولگ. (۱۳۸۲). هنر و معماری اسلامی (۱)، تهران: سمت.
- القلقشندی، احمد بن علی. (۱۳۳۸ق). صبح‌الاعشی فی کتابه الانشاء، قاهره: دارالکتب الامیریة.
- انوری، حسن. (۱۳۷۳). اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، تهران: طهوری.
- بازورث، ک، دارلی دران و دیگران. (۱۳۸۰). سلجوقیان، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- بیات، عزیزاله. (۱۳۷۰). تاریخ ایران از ظهور اسلام تا دیالمه، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- باسورث، کلیفورد. (۱۳۷۲). تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

جوینی، عطاملک. (۱۳۶۷). تاریخ جهانگشای به سعی محمد غزنوینی، ج ۲ و ۳، تهران: ارغوان.

جهشیاری، ابوعبدالله محمد بن عبدوس. (۱۳۴۸). کتاب الوزراء و الکتاب، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، به کوشش مصطفی السقا، ابراهیم الانباری، عبدالحفیظ شلبی، به مقدمه زین العابدین رهنما، بی‌جا: تابان.

خوارزمی، احمد بن یوسف. (۱۳۶۲). مفاتیح العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی.

خوافی، مجد. (۱۳۴۵). روضه خلد، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: بی‌نا.

خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۳۳). تاریخ حبیب‌السیر، ج ۳. تهران: خیام.

رضایی، رمضان و دیگران. (۱۳۸۹). «نقش دبیران ایرانی در تأسیس و تکوین دیوانسالاری اسلامی در قرن اول هجری»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، شماره ۱، صص ۴۳-۵۵.

شابشتی، علی بن محمد. (۱۳۸۶). الدیارات، تحقیق کورکیس عواد، بغداد.

فقیهی، علی اصغر. (۱۳۶۵). آل‌بویه، تهران: صبا.

فرای، ریچارد. (۱۳۶۳). تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ج ۴، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

فرهمندپور، فهیمه؛ فرخنده‌زاده، محبوبه. (۱۳۹۳). «نقش دبیران ایرانی در تحول نظامی اداری عباسیان»، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۲۰، صص ۹۹-۱۲۱.

قادری، حاتم. (۱۳۸۲). اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، چاپ چهارم، تهران: سمت.

قدامه بن جعفر. (۱۳۷۰). کتاب الخراج، ترجمه و تحقیق حسین قره چانلو، تهران: البرز.

گردیزی، تاریخ گردیزی. (۱۳۶۳). تصحیح عبدالعی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.

میهنی، محمدعبدالخالق. (۱۹۷۰). دستور دبیری، محمدصادق عرفان ارزی، آنکارا.

متز. آدام. (۱۳۶۴). تمدن اسلام در قرن ۴ هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی، تهران: امیرکبیر.

مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۴۴). مروج الذهب؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ماوردی، محمد بن حبیب. (۱۳۶۲). الاحکام السلطانیة، مکتب الاعلام الاسلامی، اقبال.

موسوی حاجی، سید رسول. (۱۳۹۲). «بازیابی هویت ایرانی در سده‌های نخستین اسلامی با تکیه بر عناصر فرهنگی و هنری پیش از اسلام»، خراسان بزرگ، شماره ۱۴، صص ۷۹-۹۱.

ناجی، محمدرضا. (۱۳۸۴). سامانیان، دوره شکوفایی ایرانی - اسلامی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

نرشخی. (۱۳۶۳). تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر القبای، تصحیح مدرس رضوی، تهران: قدس.

نسوی، محمد بن زیوری. (۱۳۶۶). سیرت سلطان محمد جلال‌الدین منکبرنی، ترجمه محمد علی ناصح، تهران: سعدی.

وارد، ریچارد. (۱۳۸۴). فلزکاری اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: مؤسسه هنر اسلامی.

وصاف، عبدالله. (۱۲۶۹ق). تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار (تاریخ وصاف) به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، دهلی: همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۶۲). جامع‌التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، ج ۲، تهران: اقبال.